

مقاله پژوهشی - فصلنامه علمی ربیافت

سال پانزدهم، شماره ۵۵، تابستان ۱۴۰۰
صفحه ۶۱ تا ۸۰

جایگاه اقرار در جرایم سیاسی؛ با تمرکز بر ادله الکترونیکی و فضای مجازی

حسین پارسا/دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران،

hparsalaw@gmail.com

محسن رهامی/دانشیار گروه حقوق جزا و جرم شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

Rahamioffce@gmail.com

مرتضی ناجی زواره/استادیار گروه حقوق جزا و جرم شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران،

Naji.mortaza@yahoo.com

چکیده

موضوع این مقاله بررسی جایگاه اقرار در جرایم سیاسی و مطبوعاتی (با ماهیت سیاسی) با نگاهی به ادله الکترونیکی و فضای مجازی است. پرسش اصلی مقاله این است که ادله الکترونیکی ناظر بر اقرار متهم به بزه انتسابی، می تواند ادله ای اثباتی ناظر بر مجرمیت او باشد؟ فرضیه پژوهش بر این بوده که به هر حال ادله الکترونیکی نیز می توانند وجه اثباتی داشته باشند. پژوهش با بررسی مفردات مختلف مسئله به این جمع بندی رسیده است که اگر چه ادله الکترونیکی نیز با شرایطی که در بحث عام اقرار آمده است و با توجه به ادله اثبات دعوا و قوانین موضوعه می توانند ناظر بر اقرار متهم به بزه انتسابی باشند، ولی در وجه کیفری با توجه به اصل تفسیر مضیق بسیاری از این دلایل وجه اقراری خودشان را از دست می دهند. روش تحقیق در این مقاله کیفی از نوع توصیفی-تحلیلی است و داده ها به شکل فیش برداری و از طریق کتابخانه ای گردآوری و تجزیه و تحلیل شده اند.

کلیدواژه: جرم سیاسی، اقرار، ادله الکترونیکی، ادله اثبات دعوا

تاریخ تأیید: ۱۳۹۹/۱۲/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۰۵

مقدمه

اقرار در امور کیفری و مدنی از اهمیت خاصی برخوردار است و از سادهترین طرق اثبات دعواست و هرگونه شک و تردیدی را در خصوص صحت ادعایی از بین میبرد. از این روست که برخی برای آن اعتبار صد درصد قائلند، چرا که مفید یقین است و تنها شکاکان حرفهای میتوانند چنین یقینی را ظن قریب به یقین بنامند. (توسلی، ۹، ۱۳۸۳). البته دیدگاه رایج میان اصولیان آن است که چون احتمال کذب در اقرار منتفی نیست بنابراین افاده ظن می کند و در نهایت این که جز ظنون معتبر است.

در حکمی که مستند آن اقرار است مانند این است که اصحاب دعوا به تفاهم و توافق رسیدهند و در صدور رأی به دادرس کمک نمودهاند تا دادرس با اطمینان بیشتری نسبت به صدور رأی اقدام کند. رومیان اقرار را دلیل دلیلهها (la veine des preuves) میدانستند و برخی به آن «ملکه ادله (probation probatissima)» میگویند. در ایران باستان قوی ترین دلیلهها بوده و در اسلام جز سه دلیل مهم شمرده شده است.

در حقوق اسلام اکثر فقها اقرار را مهمتر و اقواتر از بینه میدانند و علت آن را دلیل اولویت میدانند؛ چرا که اگر بتوان با بینه ادعا را ثابت کرد به طریق اولی میتوان با اقرار حقی را ثابت کرد. (مروارید، ج ۳۲، ۱۱۴، ۱۴۱۰هـ.ق) ضمن آنکه قبول یا رد بینه منوط به نظر قاضی است ولی اقرار ذاتاً مؤثر و قاطع دعواست؛ چرا که اگر مدعی علیه اقرار نماید مدعی میتواند از قاضی بخواهد که علیه مقرر حکم صادر کند. لذا قاعده عام «اقرار العقلای علی انفسهم جایز» وضع شده که از احکام ضروری اسلام است. (منتهایی، ۴۶، ۱۳۸۹). باید توجه داشت که اعتبار اقرار مطلق نیست و مانند سایر دلایل خدشه بردار است؛ چرا که در امور کیفری ممکن است فردی بخاطر تبانی با دیگری اقراری باطل داشته باشد یا آنکه خود را جای متهم اصلی قرار دهد یا به هر دلیل دیگر این اقرار صحت نداشته باشد. لذا در امر کیفری در پذیرش اقرار سختگیری میشود و صرف اقرار دلیل صد درصد برای اثبات جرم نیست و ارزش اثباتی مطلق ندارد و در امور کیفری شرایط خاصتری در جهت اثبات ادعا نسبت به امر حقوقی دارد. علیهذا علاوه بر آنکه از لحاظ کمی اقرار باید نصاب خاصی در برخی جرائم داشته باشد از لحاظ کیفی هم باید دارای شرایطی باشد تا منشأ اثر شود مثلاً اقرار مبهم نباشد یا قطعی باشد و اقرار در امور کیفری، عکس امور حقوقی، موضوعیت نداشته و تابع علم و ارزشگذاری قاضی است. در این راستا دیوان عالی کشور در حکم شماره ۱۰۴۷۶۰-۱۲/۱۰/۱۳۱۶ حتی در موردی نظریه کارشناس را بر اقرار ترجیح داده چون مطابق با واقعیت بوده است.

حال پرسشی که طرح می‌شود جایگاه اقرار در برخی جرایم خاص مانند جرم سیاسی است، و آن هم باتوجه به ارتباطات و تعاملات جدیدی که بواسطه تکنولوژی شکل گرفته است. مثلاً آیا ایمیل یا کامنت یا لایک و پستهای منتشره در فضای مجازی می‌توانند دلیلی اقراری بر اثبات جرم سیاسی باشند یا که خیر؟ این موارد در جرایم مطبوعاتی با ماهیت سیاسی و یا جرایم مطبوعاتی‌ای که ماهیت سیاسی پیدا می‌کنند، بسیار موضوعیت پیدا می‌کند چرا که فعالان مطبوعاتی عموماً با ابزارهای الکترونیک و فضای مجازی بیش از بقیه افراد درگیرند و فرضاً ممکن است در طی یک مصاحبه غیرحضورى مطالبی رد و بدل شود که بتواند در مصادیق جرایم سیاسی بگنجد. مقاله در ادامه این مورد را از نزدیک بررسی می‌کند.

تعریف لغوی و اصطلاحی اقرار

اقرار واژه عربی است (اقر، قر، اقراراً) و به معنای اقرار دادن چیزی در محل خود میباشد یا ثابت کردن چیزی که متردد میان ثبوت و انکار است. اقرار، مصدر باب افعال و مجرد آن «قر» است. اقرار به معنای موافقت کردن با چیزی هم آمده است. (محمود مصطفی، ۱۶۵، ۱۳۷۵) در کتب لغت معانی زیادی برای آن آمده است. در مفردات معنی اقرار گذاشتن چیزی در جای خود و اعتراف به حقی آمده است. (راغب اصفهانی، ۳۹۸، ۱۴۰۴ هـ.ق) طریحی اقرار را به معنای اعتراف نمودن آورده. (طریحی، ۴۵۶، ۱۴۰۸)

فقها تعاریف متعددی برای اقرار برشمرده‌اند؛ از جمله، محقق حلی آورده: «اقرار عبارت از خبر جایز است از حقی که برای خبر دهنده واجب و لازم میباشد.» (محقق حلی، ۲، بی تا)؛ هرچند برخی تعریف اقرار، در مفهوم و مصداق، عرفی میدانند (حائری، ۱۱۳۵، ۱۳۸۲) پس معنی اقرار شرعاً اخبار به ثبوت حقی است به نفع دیگری به ضرر خود ولو اینکه در آینده باشد. اعم از اینکه به لفظ باشد و آنچه در حکم اوست و اعم از اینکه حق ایجابی یا سلبی باشد. مانند اینکه من قاتل زید هستم، یا من طلب دیهای از فلان کس ندارم. در همه این گونه‌ها به نفع دیگر و به زیان مقرر حقی ثابت میگردد. ماده ۱۶۴ ق.م.ا مقرر میدارد: «اقرار عبارت از اخبار شخص به ارتکاب جرم از جانب خود است». یعنی اظهار کننده، تمام یا قسمتی از اتهام انتسابی به خود را میپذیرد.

پس فیالواقع از کلیه این تعاریف برمیآید که اقرار چهار عنصر «اخبار»، «حق»، «به نفع غیر» و «به ضرر خود» دارد؛ که در ادامه در بحث اجزاء اقرار به آن پرداخته میشود. هرچند در قانون مجازات اسلامی قیود فوقالذکر به نوعی صریحاً یا تلویحاً آمده است ولی این

تعریف با تعریف فقها در برخی از اوصاف متفاوت است چرا که مثلاً در قانون مجازات اسلامی فقط واژه «اخبار» آمده در حالیکه اخبار شامل اخبار قطعی، ظنی و احتمالی میشود ولی منظور فقها اخبار جازم است که شامل اقرار میشود. (امام خمینی، ۱۴۰۳، ۱۴۹)

اقسام اقرار به اعتبار ترکیب آن

از جهت ترکیب، اقرار به اقرار ساده، مقید، موصوف، مرکب و متعاقب به استثناء تقسیم میشود. مبنای این تقسیمبندی مواد ۱۲۸۲ و ۱۲۸۳ ق.م.ا است. در ذیل انواع این تقسیم بندی از اقرار بیان میشود:

اقرار ساده: «که در آن اخبار به همان امری که مورد ادعای مدعی است بدون قید و وصف و شرطی صورت میگیرد. (صفار، ۱۷، ۱۳۷۹)

اقرار مقید و موصوف: که در آن هرچند مقر ادعای طرف مقابل را میپذیرد ولی آن را همراه با قید و وصف و یا شرطی میپذیرد. (شهیدی، ۱۳۷۰، ۴۲)

اقرار مرکب: «اقرار مرکب»، اقراری است که از دو جزء تشکیل شده است و میتوان گفت که جزء اول اقرار بوده و به نفع طرف مقابل و جزء دوم نوعی ادعاست تا اقرار. و بر دو نوع: اقرار مرکب مرتبط، دو جزء مختلف الاثر آن ارتباط تام دارند؛ و اقرار مرکب غیرمرتبط که دو جزء مختلف الاثر ارتباطی با هم ندارند.

اقرار متعاقب به استثناء: مقر اقرار به امری نماید و سپس جزئی از آن را استثنا نماید.

نصاب اقرار و اقرار ناتمام

اصل بر آن است که یک مرتبه اقرار واقعه را ثابت میکند زیرا عموم دلیل حجیت اقرار یعنی «اقرار العقلای انفسهم جایز» چنین اقتضائی دارد. در حقوق اسلام و ایران در خصوص برخی از جرایم، دفعات اقرار معین شده است. در حقوق کشور ما حسب نوع جرائم، تعداد اقرار لازم برای اثبات آن، متفاوت میشود. در فقه برای جرایم مستوجب حد و قصاص به تعداد دفعات اقرار اشاره شده است. یکی از مسائل مربوط به بحث تعدد اقرار، مسأله اقرار ناتمام است، بدین معنا که اگر نصاب اقرار رعایت نشود و مثلاً متهم برای جرایمی که مثل زنا، لواط، تفخیز و مساحقه وفق ماده ۱۷۲ (ق.م.ا مصوب ۹۲) چهار بار اقرار لازم است، اگر متهم پس از سه بار در مرحله چهارم اقرار ننمود، یا از اقرارش رجوع کرد به آن «اقرار ناتمام» گویند در اینگونه موارد حد ثابت نمیگردد که در فقه، فقها به آن اقرار «دون الاربع» گویند که بیشتر در جرایم جنسی هم مطرح است. لذا جرائمی مثل محاربه یا بغی یا سب النبّی که تعداد اقرار شرط نیست، شامل عنوان «اقرار ناتمام» نمیشود. بنابراین در بحث از جرایم سیاسی

که ذیل عناوینی چون محاربه و بغی نیز می‌توانند طرح شوند، نصاب اقرار و مبحث اقرار ناتمام باید مورد توجه قرار گیرد.

آثار اقرار

اقرار و ارکان آن و شرایط هر کدام و انواع اقرار مورد بررسی قرار گرفت. در این قسمت به بررسی آثار اقراری که به طور صحیح و قانونی انجام گرفته می‌پردازیم. این آثار در سه قسمت مجزا تحت عناوین: ملزم بودن مقرر، به مفاد اقرار، غیرقابل انکار بودن اقرار، نسبی بودن اقرار، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

الف) ملزم بودن مقرر به مفاد اقرار: اقراری که مطابق شرایط قانونی انجام شده باشد معتبر بوده و با اثبات امر بر دادگاه نیاز به ارائه ادله دیگر نیست: «هرگاه متهم اقرار به ارتکاب جرم نماید اقرار وی معتبر است و نوبت به ادله دیگر نمی‌رسد (ماده ۱۷۱ ق.م.ا).»

ب) غیرقابل انکار بودن اقرار: غیرقابل انکار بودن اقرار از خصوصیات اقراری است که به طور صحیح و قانونی انجام شده است به این معنی که وقتی که اقرار با شرایط قانونی به طور صحیح واقع شد مقرر نمیتواند بعداً آن را انکار نماید. انکار، برخلاف اقرار است و آن، اختیار به عدم ارتکاب جرمی پس از اقرار می‌باشد. ماده ۱۷۳ قانون مجازات اسلامی بیان میدارد: «انکار بعد از اقرار موجب سقوط مجازات نیست به جز در اقرار به جرمی که مجازات آن موجب رجم یا حد قتل است که در این صورت در هر مرحله، ولو در حین اجراء، مجازات مزبور ساقط و به جای آن در زنا و لواط صد ضربه شلاق و در غیر آنها حبس تعزیری درجه پنجم ثابت میشود.» فی‌الواقع در حقالناس انکار بعد اقرار پذیرفته نیست. ماده ۱۲۷۱ ق.م.ا این خصوصیت اقرار را به این صورت بیان میکند: «انکار بعد از اقرار مسموع نیست». هرچند برخلاف قانون مجازات اسلامی در فقه اکثر فقها مثل شهید اول در جلد دوم لمعه انکار بعد از اقرار به قتل عمد را پذیرفته‌اند (شهید اول، همان، ۴۰۸)

ج) نسبی بودن اقرار: منظور از «نسبی بودن اقرار» این است که آثار اقرار دامن گیر شخص مقر است و نسبت به دیگران اثری ندارد.

جرم سیاسی

از منظر علوم سیاسی، جرم سیاسی یک جرمی است که مرتکب آن با توسل به رفتاری، اقدام به انتقاد یا اعتراض به وضع موجود حاکمیت می‌نماید و در قبال این رفتار مجرمانه، دارای انگیزه سیاسی و بهبود دادن به امور است نه کسب منابع مالی و قدرت و نظایر آن، لذا این مسیر اگر با قوه قهریه و نزاع و دیگری همراه شود با مجازات شدید عقوبت می‌شود اما

اگر توام با آرامش نظیر بیان مطالب انتقادی در چهارچوب حزب و رسانه باشد در اکثر کشورها جرم تلقی نمی‌شود اما در برخی از کشورها نیز برای تحقق یافتن جرم سیاسی به همین میزان نیز اکتفا می‌شود. در هر جامعه و کشوری اصولاً اشخاص یا گروه‌هایی وجود دارند که عمدتاً به خاطر حفظ و یا کسب منافع شخصی مانند قدرت و ثروت و امیال خود و یا در پی رسیدن به خواسته‌های گروهی و مناصب سیاسی و موارد مشابه آن مرتکب رفتار ساختارشکنانه می‌شوند که به واسطه آن به حقوق جامعه و اشخاص تعدی و تجاوز می‌کنند. بدیهی است که نظام‌های حقوقی نیز حسب مورد و بر اساس قوانین و مقررات موجود اقدام به واکنش نسبت به این نوع از جرایم که تحت عنوان جرایم سیاسی شناخته می‌شود می‌نمایند، در حقوق ایران نیز بنا به دلیل فقدان قانون اختصاصی و متناسب در همین زمینه، در سال ۱۳۹۵، قانونی تحت عنوان قانون جرم سیاسی مورد تصویب مقنن قرار گرفت که بر اساس مقررات موجود در آن، دستگاه قضایی می‌تواند مبتنی بر قانون اختصاصی جرم سیاسی و شرایط حاکم بر دادرسی و صدور حکم آن، رسیدگی و صدور حکم نماید و دیگر از استناد به مواد عمومی قانون مجازات اسلامی برای برخورد با این جرم‌رهای یابد. (زندیان، ۱۳۹۸).

از نظر تاریخی، پس از تحولات تجددخواهانه در ایران در زمان امضای فرمان مشروطه و با تصویب متمم قانون اساسی عبارت «تقصیر سیاسی» که بعدها در ادبیات حقوقی ایران به «جرم سیاسی» تغییر یافت وارد نظام حقوقی در حال تغییر و تحول کشور گردید. اصطلاحی ترجمه شده از ادبیات سیاسی - حقوقی غربی که مانند سایر اصطلاحات پخته و ناپخته دنیای مدرن و بدون بومی‌سازی با فرهنگ مشروع قانون اساسی مشروطه حتی بدون تعریفی گریته‌برداری شده، از خاستگاه اصلی خود، وارد نظام حقوقی ما شد. عبارتی که امروز پس از گذشت صد سال نتوانسته است افراد مشمول دایره خود را مشخص کرده و به‌عنوان ترمی حقوقی جای خود را در نظام قضایی ایران مستقر سازد (محبی، ۱۳۹۱: ۶). تا این که قانون جرم سیاسی در مجلس شورا مصوب شد.

در واقع، پس از مشروطه تا پیروزی انقلاب اسلامی با مجرمین سیاسی برخورد شدیدتری صورت می‌گرفت. در نظر گرفتن گسترده مجازات اعدام، تسری صلاحیت دادگاه‌های نظامی به جرائم سیاسی، ضابط بودن سازمان اطلاعات و امنیت در خصوص جرائم سیاسی، غیرعلنی بودن دادرسی این جرائم، عدم امکان استفاده از وکلای غیرنظامی از نمودهای

تشدید اقدامات علیه مجرمین سیاسی قبل از پیروزی انقلاب بود (پیوندی، ۱۳۸۲:۶۹). لذا در فقدان قانون جرم سیاسی حقوق متهمین کاملاً پایمال می‌شد.

این در حالی بود که بر اساس اصل هفتادونهم قانون اساسی متمم قانون اساسی مشروطه - بدون وجود مشکل در تعریف جرائم سیاسی و انطباق آن با موازین اسلامی - جرائم سیاسی باید در حضور هیئت منصفه انجام می‌شد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی قانون‌گذار اساسی تکلیفی به عهده قانون‌گذار عادی نهاد، و آن تعریف جرم سیاسی بر اساس موازین اسلامی بود (اصل یکصد و شصت و هشتم) (محبی، ۱۳۹۱:۱۱). تا این که قانون جرم سیاسی در مجلس تصویب شد و این جرم را تحت حاکمیت قانون مستقلی قرار داد.

در مواد اول و دوم قانون مصوب جرم سیاسی (مورخه ۱۳۹۵/۳/۹)، جرم سیاسی و مصادیق آن این گونه معین شده است: «ماده ۱- هر یک از جرائم مصرح در ماده (۲) این قانون چنانچه با انگیزه اصلاح امور کشور علیه مدیریت و نهادهای سیاسی یا سیاستهای داخلی یا خارجی کشور ارتکاب یابد، بدون آنکه مرتکب قصد ضربه زدن به اصل نظام را داشته باشد جرم سیاسی محسوب می‌شود. ماده ۲- جرائم زیر در صورت انطباق با شرایط مقرر در ماده (۱) این قانون جرم سیاسی محسوب می‌شوند. الف - توهین یا افتراء به رؤسای سه قوه، رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، معاونان رئیس جمهور، وزرا، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، نمایندگان مجلس خبرگان و اعضای شورای نگهبان به واسطه مسئولیت آنان؛ ب - توهین به رئیس یا نماینده سیاسی کشور خارجی که در قلمرو جمهوری اسلامی ایران وارد شده است با رعایت مفاد ماده (۵۱۷) قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات؛ پ - جرائم مندرج در بندهای (د) و (ه) ماده (۱۶) قانون فعالیت احزاب، جمعیتها، انجمنهای سیاسی و صنفی و انجمنهای اسلامی یا اقلیتهای دینی شناخته شده مصوب ۱۳۶۰/۶/۷؛ ت - جرائم مقرر در قوانین انتخابات خبرگان رهبری، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و شوراهای اسلامی شهر و روستا به استثنای مجریان و ناظران انتخابات؛ ث - نشر اکاذیب»

ضابطه تشخیص جرائم سیاسی

بزرگترین اشکال این قانون این است که جرم سیاسی را تعریف نکرده و هیچ ضابطه مشخصی برای آن ارائه نداده، بلکه تعریف به مصادیق کرده و با برشمردن مصادیق کوشیده حدود جرم را مشخص کند، لذا ضابطه مشخصی برای تعیین جرم سیاسی وجود ندارد. به طور کلی دو روش برای بازشناسی و تعریف یک جرم از دیگر جرائم وجود دارد که هر کدام محاسن و معایبی دارد. این دو روش، روش احصا و روش ضابطه می‌باشند. در روش احصا

قانونگذار با برشمردن تعدادی از جرائم، آنها را از جرائم دیگر جدا می‌کند. در مقابل، در روش تعیین ضابطه، سعی می‌شود با تعریف آن جرم، راه شناسایی آن از جرائم دیگر فراهم شود که مانند یک قاعده کلی می‌تواند مصادیق متعددی داشته باشد. مقنن در اینجا روش احصا را برای جرایم سیاسی برگزیده است و در ماده ۲ جرایم سیاسی این مصادیق را ذکر نموده است. اما با این حال حقوقدانان روشهایی را برای تعیین ضابطه تشخیص جرم سیاسی ابداع کرده‌اند.

قدیمی‌ترین معیار، ضابطه شخصی یا ذهنی (Subjective) است. به آن مفهوم که هر جرم عمومی مصرح در قانون جزا، هرگاه با انگیزه‌ای خاص که همان انگیزه سیاسی است همراه شود، جرم سیاسی به‌وجود می‌آید. بر اساس این ضابطه هرگاه جرائم خشونت‌بار همچون قتل و مانند اینها نیز با هدف سیاسی همراه شود، فرد مستحق دریافت امتیازات ویژه قانونی مختص مجرمین سیاسی خواهد بود.

به علت گستردگی شمول ضابطه ذهنی برخی ضابطه عینی (Objective) را پیشنهاد کرده‌اند. بر اساس این ضابطه نه عنصر روانی و انگیزه مرتکب که نتایج زیانبار جرم ملاک عمل قرار می‌گیرد. به این نحو که هرگاه موضوع جرم ساختارهای حکومت، نظم عمومی، کلیت نظام سیاسی یا ارکان آن باشد جرم سیاسی محسوب می‌شود. عده‌ای نیز برای حل مشکل دو نظریه فوق با ترکیب آن دو سعی نموده‌اند از کاستی‌های آن‌ها بکاهند و نظریه‌ای مختلط (Mixed) را ارائه دهند. بر اساس این نظر هر کس که با انگیزه سیاسی به ساختارهای حکومت، مصلحت سیاسی کشور یا آزادی‌های مردم لطمه وارد سازد، مرتکب جرم سیاسی شده است (محبی، ۱۳۸۹: ۱۸). با توجه به آن چه که در ماده ۱ قانون جرم سیاسی آمده است به نظر می‌رسد که مقنن بیشتر ضابطه ذهنی را در نظر داشته چون کاملاً بحث از انگیزه را طرح کرده است.

البته از منظر حقوق و فقه اسلامی مشخصاً باید گفت که اگر جرائم مانند اظهار مخالفت با دولت، خروج و بغی و ارباب عموم را بتوان جرم سیاسی نامید، شیوه جزائی اسلام درباره اینها این است که اگر منجر به قتل و یا از بین رفتن مال مردم و صدمه دیدن امنیت همگانی و نتایجی مانند اینها بشود، مجازات آن به عنوان محاربه، اعدام می‌باشد و دیگر مسئله‌ای به نام زندان در کار نخواهد بود. البته این در صورتی است که «نفی من الارض» در آیه مربوط به مجازات محاربین به معنای «زندان» نباشد. و اگر عقاید افراد به عمل اربابی و مسلحانه علیه نظام و جامعه منجر نشود، مثلاً مورد ابن کوا که در مسجد علناً بر زیان و ضد امیرالمؤمنین

علی (ع) سخن می گفته است. و یا مانند ابن ابی العوجاء دهری که با حضرت امام صادق به مناظره و گفتگو می پرداخته است، اینها از مصادیق جرم سیاسی نیست و در این صورت افراد مورد تعرض قرار نمی گیرند. لذا باید گفت در چارچوب نظام حقوقی اسلامی زندان و زندانی سیاسی به معنای رایج زمان ما که ناشی از اندیشه‌ها و حقوق ملل غربی است، موضوعیت ندارد (منتظری، ۱۳۶۷: ۱۰۳).

ادله الکترونیکی

در عصر حاضر، ظهور ابزارهای جدید اطلاعاتی و ارتباطی، روشهایی جدید را برای برقراری ارتباط و تولید و ذخیره اطلاعات به وجود آورده است؛ استفاده از این روشها در روابط تجاری و روزمره مردم، و به عنوان ابزارهایی برای تعاملات فعالان مدنی و مطبوعاتی، موجب ایجاد نوعی جدید از دلیل با ماهیتی متفاوت به نام دلیل الکترونیکی شده است. با وجود آن که ماهیت دلیل الکترونیکی متفاوت از دلیل سنتی است، می توان با به کارگیری روشهای فنی، عناصری را که قانون برای اعتبار دلیل لازم می داند، در دلایل الکترونیکی تأمین کرد. به همین جهت، برای مثالی مشخص، قانون تجارت الکترونیک، ضمن برابر شمردن داده پیام و امضای الکترونیکی با نوشته و امضای سنتی، دلایل الکترونیک را به عنوان نوعی جدید از دلیل معتبر تلقی کرده و واجد ارزش اثباتی دانسته است (شهبازی‌نیا و عبدالهی، ۱۳۸۹). مثلاً، امروزه مصاحبه‌های از راه دور در نهایت با امضای دیجیتال مصاحبه‌شونده یا تایید ایمیل رسمیت می یابد.

بنابراین امروزه جهان حقوق متاثر از گسترش فناوری و ارتباطات تکنولوژیک و تعاملات مجازی و اینترنتی و الکترونیکی شده و جرایمی همچون کلاهبرداری‌های اینترنتی طرح شده که مشخصاً ضرورت ورود علم حقوق به این حوزه را بدیهی کرده است. یکی از این موارد دلیل الکترونیکی است. دلیل الکترونیکی می تواند محصول وضعیت‌های مختلف باشد: شخصی داده‌ای را به رایانه‌ای وارد سازد، رایانه به درخواست کاربر عملیاتی را انجام دهد یا اینکه به طور خودکار اطلاعاتی را به کار برده یا آن‌ها را پردازش نماید. از این رو، ادله الکترونیکی شامل پایگاه‌های داده، سیستم‌های عامل، برنامه‌های رایانه‌ای، مدل‌های ایجادشده توسط رایانه، پیام‌ها و سوابق الکترونیکی و صوتی و هر نوع اطلاعات یا دستورهایی است که در حافظه رایانه ذخیره شده یا از طریق سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی مبادله، پردازش، بازیافت یا تولید می شود. در همین راستا، اصالت یا معتبر بودن دلیل الکترونیکی و ارزش اثباتی این نوع از ادله موضوع مباحثات مختلف شده است (السان و منوچهری، ۱۳۹۷)، چرا

که فناوری امکان جعل آن را تا حد زیادی افزایش داده است فلذا این مخاطره وجود دارد که حقوق افراد به واسطه ادله‌ای مخدوش شود که اساساً اصالتی ندارد. بین ادله الکترونیکی و کاغذی، تفاوت‌های لحاظ شده است. اولین تفاوت میانه ادله الکترونیکی و ادله کاغذی، روش دستیابی به آنهاست که ادله الکترونیکی به راحتی توسط لوح‌های الکترونیکی ذخیره می‌شود و دسترسی به آن بسیار آسان تر است. اما تفاوت دوم؛ در نحوه نگهداری و امنیت ادله الکترونیکی با کاغذی است، که در مورد ادله الکترونیکی هر شخص می‌تواند با ورود به رایانه یا لوح‌ها و هاردهای الکترونیکی به ادله دسترسی پیدا کند در حالی که یافتن مدرک کاغذی مستلزم جستجو در میان تمامی پرونده‌های یک آرشیو است.

اما به طور کلی اصالت اثباتی دلایل الکترونیک محل مناقشه جدی است. ماده ۵۰ قانون جرایم رایانه‌ای ایران در این باب چنین می‌گوید: «چنانچه داده‌های رایانه‌ای توسط طرف دعوا یا شخص ثالثی که از دعوا آگاهی نداشته، ایجاد یا پردازش یا ذخیره یا منتقل شده باشد و سامانه رایانه‌ای یا مخابراتی مربوط به نحوی درست عمل کند که به صحت و تمامیت، اعتبار و انکارناپذیری داده‌ها خدشه وارد نشده باشد، قابل استناد خواهد بود.»

با این حال در ماده ۳۲ همین قانون آمده «ارائه دهندگان خدمات دسترسی موظف‌اند داده‌های ترافیک را حداقل تا شش ماه پس از ایجاد و اطلاعات کاربران را حداقل تا شش ماه پس از خاتمه اشتراک نگهداری کنند» و در تبصره‌های آن تلویحاً انتساب داده‌ها به کاربر محل توجه واقع شده چرا که قانونگذار تصریح دارد: «تبصره ۱- داده ترافیک هرگونه داده‌ای است که سامانه‌های رایانه‌ای در زنجیره ارتباطات رایانه‌ای و مخابراتی تولید می‌کنند تا امکان ردیابی آنها از مبدأ تا مقصد وجود داشته باشد. این داده‌ها شامل اطلاعاتی از قبیل مبدأ، مسیر، تاریخ، زمان، مدت و حجم ارتباط و نوع خدمات مربوطه می‌شود. تبصره ۲- اطلاعات کاربر هرگونه اطلاعات راجع به کاربر خدمات دسترسی از قبیل نوع خدمات، امکانات فنی مورد استفاده و مدت زمان آن، هویت، آدرس جغرافیایی یا پستی یا پروتکل اینترنتی، شماره تلفن و سایر مشخصات فردی اوست.» پس بر مبنای آدرس اینترنتی کاربر، برخی داده‌های اینترنتی که می‌توانند ادله الکترونیکی برای اثبات جرم باشند، باید امکان انتساب داده‌ها و دیتاهای مربوطه به متهم را معلوم کند. برای مثالی در رابطه با موضوع همین مقاله، فرضاً در نظر بگیرید که یک رایانامه (ایمیل) ای حاوی اقداماتی علیه امنیت ملی به یک متهم سیاسی منتسب شده یا با یکی از معاندان نظام مصاحبه مطبوعاتی انجام شده باشد

یا اطلاعاتی به وسیله ابزارهای الکترونیک منتقل شده باشد. سوای از اصالت این رایانامه از نظر فنی نیز طبق تبصره دو ماده ۳۲ قانون جرایم رایانه‌ای باید این داده بر بستر آدرس اینترنتی متهم مبادله شده باشد. حالا با توجه به این توضیحات و مقدمات بایستی این موضوع مورد توجه قرار گیرد که اگر دلایلی الکترونیکی مبنی بر اقرار متهم سیاسی وجود داشته باشد، چه جایگاهی در فرآیند اثبات جرم دارد.

اقرار و ادله الکترونیکی در جرم سیاسی و مطبوعاتی

همان گونه که ذکرش گذشت اقرار متهم یکی از دلایل اثبات جرم است که اگر با شرایط قانونی انجام شده باشد و با قرائن و شواهد دیگر همخوان باشد قاضی را به این علم و آگاهی می‌رساند که متهم مجرم است و بایستی مجازات قانونی مربوطه را تحمل کند. در این میان وقتی بحث از ادله الکترونیکی می‌شود به علت گستردگی حضور انسان امروز در فضای مجازی و فضاهای الکترونیکی پای یک مفهوم دیگر نیز به میان می‌آید که همانا «ردپای دیجیتال» (Footprint) افراد است. یک شناسنامه کامل از شخصیت آگاه و خود آگاه که امروزه تبدیل به جایگزینی برای رزومه افراد شده است.

ردپای دیجیتال در واقع مجموعه‌ای از فعالیت‌های فرد در فضای مجازی است. نوشته‌های یک نفر در وبلاگ خود، در شبکه‌های اجتماعی، عکسهایی که در اینستاگرام و دیگر پلتفرم‌های ارتباطات اجتماعی به نمایش می‌گذارد، نوشته‌هایی که توییت می‌کند، عکس پروفایل او در نرم‌افزارهایی مثل وایبر، واتساپ، فیس بوک؛ و کاوری که برای صفحه خود انتخاب می‌کند، مطالبی که لایک می‌کند یا به اشتراک می‌گذارد، چنان پروفایل دقیقی از خواسته‌ها و انگیزه‌های شخص در اختیار قرار می‌دهد که بعضاً هیچ روانشناس و روانکاو نمی‌تواند به این دقت به آنها دسترسی پیدا کند. تا جایی که امروزه سخن از آن است که با تحلیل داده (data mining) و به کمک هوش مصنوعی بتوانند از این ردپای دیجیتال الگوریتمی ترسیم کنند برای کمک به قاضی در راستای فهم بیشتر پرونده؛ برای مثال، اگر در یک پرونده قتل متهمی وجود دارد که ردپای دیجیتال او نشان می‌دهد او به مطالب خشونت‌بار علاقه وافر داشته، یک قرینه است بر این که او می‌تواند مرتکب این جنایت باشد. البته در مقابل، این رویکرد تماماً مکانیکی منتقدان رادیکالی هم دارد که خطر تقلیل دادگاه به کامپیوتر را گوشزد می‌کنند.

حال با تمام این اوصاف پرسش اصلی این است که اگر در یک پرونده با جرم سیاسی و مطبوعاتی ادله الکترونیکی ناظر بر اقرار متهم به بزه انتسابی وجود داشته باشد، یا فراتر از آن

ردپای دیجیتالش چنین چیزی را نشان داد، آیا این اسناد ادله‌ای اثباتی ناظر بر مجرمیت او می‌تواند باشد؟ برای پاسخ به این سوال، باید همان گونه که در بحثهای مربوط به اقرار آمده است به چندین نکته توجه جدی داشت: اجزای اقرار؛ شرایط اعتبار اقرار؛ شرایط مقرر. علمای حقوق گفته‌اند که اجزاء اقرار عبارت است از: الف) اخبار: اخبار به معنای خبر دادن و آگاه کردن است که در مقابل انشاء به کار می‌رود که وجود امری را در زمان حال یا گذشته بیان می‌نماید. (امامی، ۱۳۷۸، ۲۳) اقرار، اخبار به گذشته است؛ ب) حق: اصولاً اقرار یعنی اخبار به وجود سبب حق است. و، حق یعنی: «توانایی است که حقوق هر کشور به اشخاص می‌دهد» (کاتوزیان، ۲۴۹، ۱۳۷۸)؛ ج) له غیر و علیه خود: باید اخبار به وجود حق مادی یا معنوی برای غیر باشد. در غیر این صورت اگر شخصی اخبار به وجود حق برای خود بدهد، آن را دعوا یا ادعا می‌نامند. (شامیاتی، ۱۳۸۰: ۱۹۹). فلذا باید در هر اقرار سیاسی وجه اخباری، وجود حق، و علیه خود و له دیگری وجود داشته باشد که در اینجا دیگری در اغلب موارد دولت است.

وجه دیگری دارای اهمیت، شرایط اعتبار اقرار است. اقرار صرفاً وقتی یکی از دلایل اثبات دعوا در امور کیفری است که تمام شرایط قانونی را داشته باشد، در صورت فقدان یک یا چند مورد از شرایط، اقرار اعتبار خود را از دست خواهد داد؛ این شرایط عبارت‌اند از: الف) وجود امری در خارج که دلالت بر اراده مقرر اخبار نماید: این شرط یعنی لزوم بیان اقرار. که ضرورتاً باید یا به وسیله لفظ؛ یا به وسیله اشاره؛ یا به وسیله نوشته باشد؛ ب) اقرار باید منجز باشد: اقرار باید به صورت منجز بیان شود و اقرار معلق قابل قبول نیست؛ ج) اقرار باید از روی یقین بودن باشد: یعنی علم و اطلاعی که بدون شک و تردید و به وضوح اخبار به وقوع جرم دهد؛ د) اقرار باید صریح باشد: که در آن مقرر آشکارا، و بدون ابهام و بدون وجود هیچ شک و تردیدی اقرار به وجود حقی به نفع دیگری و به ضرر خود یا ارتکاب جرمی مینماید؛ ر) تصدیق مقررله شرط صحت اقرار نیست: در امور کیفری تصدیق مقررله شرط نباشد و آنچه ملاک قانونگذار است این است که «علم قاضی» و «واقعیت» مقدم بر اقرار است؛ ز) سبب اقرار باید واحد باشد: وحدت سبب اقرار نیز شرط صحت اقرار نمیشد. در این رابطه، ماده ۱۲۷۴ (ق.م) مقرر میدارد: «اختلاف مقرر و مقررله در سبب اقرار، مانع صحت اقرار نیست؛ ذ) اقرار نباید خلاف قرائن و امارات باشد: اقرار خلاف قرائن و امارات و در تعارض با علم قاضی، علم قاضی مقدم است؛ س) اقرار مبتنی بر کذب یا اشتباه یا غلط یا تحصیل شده از طریق نامشروع نباشد: ماده ۱۲۷۶ قانون مدنی میگوید: «اگر کذب اقرار نزد

حاکم ثابت شود، آن اقرار اثری نخواهد داشت.» همچنین اشتباه، تصور خلاف واقعی است که مقرر از کسی یا چیزی دارد و براساس آن به زیان خود اقرار میکند. این اشتباه میتواند تصحیح شود، اما مقرر باید بر اشتباه خود دلایلی اقامه کند و تا زمانی که موضوع اشتباه را ثابت نکرده، اقرار به اعتبار خود باقی است و طرف او میتواند از آن استفاده کند. (صدرزاده افشار، ۱۳۷۶، ۱۲۸)؛ ش(اقرار مبتنی بر شکنجه، تهدید و اغفال: اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند، قانوناً مجاز نبوده، اعتباری ندارد؛ خ) اقرار در دادگاه و نزد قاضی صادر کننده رأی صورت پذیرد: در تبصره ۲ ماده ۱۱۹ قانون آیین دادرسی کیفری به نوعی به اقرار در دادگاه و لزوم استماع آن توسط قاضی صادر کننده رأی اشاره شده است؛ ک) اقرار بر حسب عقل، عادت و قانون و شرع ممکن باشد: ماده ۱۲۶۹ ق.م، در قسمت اول به بطلان چنین اقراری اشاره نموده است و مقرر میدارد: «اقرار به امری که عقلاً یا عادتاً ممکن نباشد ... اثری ندارد»؛ گ) اقرار باید قاطع و شخصی باشد: اقرار قاطع دعوا، اقراری است که حق مورد ادعای خواهان یا شاکی را میپذیرد اعم از اینکه تمام حق یا بخشی از آن باشد. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۰: ۶۱۱)

از سویی دیگر، اقرار کننده یا مقرر نیز باید شرایطی داشته باشد. چرا که بنا بر تعریف اقرار، عملی است ارادی و متضمن ضرری است برای مقرر و مستلزم انصراف از حقی که موضوع اقرار است. بنابراین، برای مقرر اهلیت قصد و اختیار و جواز تصرف شرط است و از این رو اقرار محجوران، فاقد اعتبار قانونی است. اهلیت (بالغ بودن، عاقل بودن و رشید بودن)، از شرایط اساسی مقرر در اقرار است، که عبارت‌اند از الف) بالغ بودن: ماده ۱۶۸: «اقرار در صورتی نافذ است که اقرار کننده حین اقرار، بالغ، قاصد و مختار باشد»؛ ب) عاقل بودن: ماده ۱۶۸ دومین شرط را عاقل بودن حین اقرار دانسته و ماده ۱۲۶۲ ق.م مقرر داشته است «اقرار کننده باید ... عاقل ... باشد بنابراین اقرار مجنون در حال دیوانگی ... مؤثر نیست.»؛ ج) رشید بودن: ماده ۱۷۰ قانون مجازات اسلامی: «اقرار شخص سفیه که حکم حجر او صادر شده است و شخص ورشکسته نسبت به امور کیفری نافذ است اما نسبت به ضمان مالی ناشی از جرم معتبر نیست.» «سفیه» مترادف غیر رشید بوده و در مقابل رشید قرار دارد؛ د) قصد: ماده ۱۲۶۲ ق.م مقرر داشته: «اقرار کننده باید ... قاصد ... باشد، بنابراین اقرار غیر قاصد مؤثر نیست.» هم چنان که قصد از شرایط اساسی صحت معاملات است. (ماده ۱۹۰ ق.م)؛ ر) اختیار: ماده ۱۲۶۲ ق.م مقرر کرده است: «اقرار کننده باید ... مختار باشد بنابراین اقرار ... مکره مؤثر

نیست»؛ ز) جواز تصرف: فقها، جایز التصرف بودن را بر شرایط مربوط به اهلیت و شرایط مربوط به اعتبار اقرار افزودند: «من ملک شیئاً ملک الاقرار به»

فلذا بررسی هر اقراری باید عطف به پیش شرطهای فوق الذکر باشد یعنی اجزای اقرار حاضر باشد؛ شرایط اعتبار اقرار احراز شود؛ و خود فرد مقر یا اقرار کننده نیز دارای اوصاف مذکور و مصرح باشد. فلذا در ابتدا بایستی این نکته را فرض گرفت که ادله الکترونیکی ارائه شده دارای اصالت است و این عدم جعلیت به تایید کارشناسان فنی رسیده باشد. یعنی آنکه داده الکترونیکی مطروحه مشخصاً حاصل از فعل ارادی و مختار متهم باشد. برای مثال، متهم با ابزار ارتباطی شخصی اش، یا ابزاری که تحت اختیارش بوده، مطلبی را تولید، توزیع، یا تکثیر کرده که اکنون دلالت بر اقرار او بر ارتکاب جرمی سیاسی دارد. فرضاً خبرنگاری در طی مصاحبه مجازی، در لابه لای مباحث توهینی را نثار یکی از اشخاص مذکور در بند الف ماده ۲ قانون جرم سیاسی کرده است. در اینجا پای مقرله نیز به میان می آید، و باید دید کسی که اقرار به نفع اوست، چه شرایطی باید داشته باشد.

در شرایط مقرله باید در نظر داشت که «مقرله» کسی است که اخبار به حق به نفع وی صورت می گیرد، هر چند که در مقرله شرایط سنگین مقر لازم نیست ولی برای این که اقرار بتواند منشاء اثر شود و حق موضوع اقرار قابلیت اثباتی داشته باشد وجود شرایطی برای مقرله هم لازم است که عبارت اند از: الف) موجود بودن: قسمت دوم ماده ۱۲۶۶ ق.م.مقرر داشت «...برحسب قانون باید بتواند دارای آن چه که به نفع او اقرار شده است بشود.»؛ ب) داشتن اهلیت تمتع: قانون مدنی (ماده ۱۲۶۶)، داشتن اهلیت استیفاء را برای مقرله شرط نمی داند و تنها داشتن اهلیت تمتع را کافی برای تملک موضوع اقرار توسط مقرله می داند؛ ج) معین بودن: تقریباً همه مؤلفان معلوم بودن را از شرایط مقرله معرفی نموده اند و به ماده ۱۲۷۱ ق.م. استناد کرده اند. لذا باید در بررسی اقرار موارد فوق الذکر را مدنظر داشت.

در اجزای اقرار ذکر شد که اقرار باید متضمن «اخبار» باشد «له غیر و علیه خود» در باب «حق»ی مشخص. برای نمونه، آبرو و کرامت انسانی روسای سه قوه یک حق است. حالا اگر متهم سیاسی و مطبوعاتی اقرار نماید که در یک مصاحبه یا گفتگوی مجازی توهینی را به اینان روا داشته است، مسلماً می تواند دلیلی ناظر بر مجرمیت او باشد. حالا در فرض مسئله، گاه این ادله الکترونیکی دارای وصف صراحت است و دارای شرایط اعتبار اقرار؛ چرا که گفته شد اقرار باید صریح باشد. در این حالت دلیل الکترونیکی وقتی می تواند معتبر باشد که اولاً از منظر اوصاف که در ماده ۳۲ قانون جرایم الکترونیکی آمده قابلیت اثبات اصالت

سند و انتساب به متهم را داشته باشد. در ثانی مشخصاً صراحت بیانی ناظر بر اقرار را داشته باشد. برای مثال، متهم در یک مصاحبه مطبوعاتی مجازی، رایانامه، یا پست فضای مجازی، یا کامنتی به صراحت مقرر شده باشد که فلان توهین را انجام داده است.

در اینجا نکته بسیار مهم امکان خلط ردپای دیجیتال با انگیزه اثباتی جرم است. به دلیل کثرت فعالیتهای مجازی ممکن است افراد رفتارهایی داشته باشند که می تواند تفسیر به جرم شود. برای مثال، متهم یک پست محتوی توهین به روسای سه قوه را پسند (لایک) کرده باشد، یا یک فعال مطبوعاتی در یک اتاق چت مجازی (مانند کلاب هاوس) حاضر شده باشد در طی بحث مصادیقی از جرم سیاسی رخ داده باشد و ایشان سکوت کرده باشد، آیا اینها می توانند اقرار تلقی شود؟ در این موارد بررسی ماهیتی اقرار کاملاً می تواند دادگاه را به سمت عدالت رهنمون کند. چرا که در اجزای اقرار بحث از اخبار است. در تعریف اخبار آمده که مقابل انشا و مصدر «باب افعال» به معنای «خبر دادن» است و در اصطلاح اهل لغت گاهی به معنای کلامی است که بر ثبوت یا عدم ثبوت نسبت در خارج دلالت می نماید؛ به بیان دیگر، به لفظ مرکب تام که دلالت بر نسبتی در خارج نماید و قابل تصدیق و تکذیب باشد، «اخبار» گفته می شود. در این جا اخبار به معنای قول جازم، خبر، حکم و قضیه است. با این اوصاف ردپای دیجیتال و فعالیتهایی که ذیل این مقوله قرار می گیرد، عموماً فاقد وصف اخبار اند مگر آن که بتوانند مشخصاً چنین وصفی داشته باشند. برای نمونه، در همان مثال فوق، فرضاً شخص هم پسند (لایک) نماید و هم کامنتی محتوی همان توهین یا مترادف آن را بنویسد. پس می توان به قاطعیت گفت در ادله الکترونیکی علیه متهم اگر چیزی بخواهد ذیل اقرار قرار بگیرد، بایستی بی تردید از نظر ماهیتی دارای همان اجزای غیر قابل اسقاط اقرار باشد. یعنی آنکه حتماً وجه اخباری داشته باشد. علیه خود متهم و له دیگری باشد. و درباب یک حق مشخص. اگر ادله الکترونیکی ارائه شده (به فرض اصالت سند) نتواند دارای این اوصاف شود از شمول مقوله اقرار خارج شده و دادگاه نمی تواند آن را به عنوان دلیلی قاطع اقراری لحاظ کند، اگرچه شاید قرینه یا اماره‌ای تکمیلی بشود.

اما اگر ادله الکترونیکی ارائه شده، اولاً دارای اصالت باشد، و در ثانی اجزای ذاتی اقرار را نیز در بر داشته باشد، چگونه می تواند شرایط اعتباری اقرار را احراز کند؟ برای پاسخ این پرسش باید به شرایط اعتبار اقرار باز گردیم. در شرط اعتبار دو شرط کلیدی و حیاتی (یکی ایجابی و دیگری سلبی) وجود دارد که برای این مبحث بسیار مهم است: ۱) اقرار در دادگاه باشد؛ و، ۲) مبتنی بر شکنجه، تهدید و اغفال نباشد (یعنی عنصر قهر وجود نداشته باشد).

به نظر می‌رسد که شرط ایجابی اقرار در دادگاه، در مورد ادله الکترونیکی سالبه به انتفا موضوع باشد. توضیح آن که در شرایط اعتبار اقرار آمده است اقرار باید در دادگاه و نزد قاضی صادر کننده رأی صورت پذیرد؛ چرا که در تبصره ۲ ماده ۱۱۹ قانون آیین دادرسی کیفری به نوعی به اقرار در دادگاه و لزوم استماع آن توسط قاضی صادر کننده رأی اشاره شده است. اما ادله الکترونیکی عموماً فاقد این وصف‌اند و فرض اینکه متهم در مقابل قاضی و در محضر دادگاه فعالیت الکترونیکی یا اینترنتی انجام دهد که وصف اقرار داشته باشد، معقول و موجه، و حتی ممکن، به نظر نمی‌رسد. فلذا اگر این شرط ایجابی، شرطی مقدم بر دیگر شروط باشد، بایستی قبول کرد که اساساً ادله الکترونیکی و ردپای دیجیتال نمی‌توانند به عنوان اقرار متهم لحاظ شوند.

در مورد شرط دوم، که سلبی است یعنی فقدان شکنجه و تهدید و اغفال؛ شاید بتوان گفت که همان قدر که شرط ایجابی اول اصولاً امکان تحقق ندارد، شرط دوم نیز محل تردید است. چرا که فرض بر آن است که فرد متهم وقتی عمل منتسب در ادله الکترونیکی را انجام داده که در فضایی خارج از دستگاه انتظامی بوده است، لذا امکان شکنجه بعید است. ولی این که فردی را با تهدید یا اغفال مجبور کنند تا اقراری را به صورت الکترونیکی علیه خودش و له دیگری صادر کند، اگر چه عقلاً ناممکن نیست ولی وقوع آن در شرایط عینی جامعه کمی مستبعد می‌نماید. چرا که فرض بر آن است که انسان مادامی که فشاری بیش از حد تحمل او وارد نشود دست به عملی (همچون اقراری ناظر بر ارتکاب جرم سیاسی) نخواهد زد که عواقبی سنگین برای او خواهد داشت. بنابراین در باب بررسی شرط فقدان شکنجه و تهدید و اغفال در ادله الکترونیکی متضمن اقرار در یک جرم سیاسی کفه تحلیل به سمت فقدان سنگینی می‌کند تا وجود این شرط. با اینحال، ممکن است در یک تعاملات الکترونیکی یا مجازی، فرضاً در گفتگوی یک فعال مطبوعاتی با رسانه‌های بیگانه ناخواسته اغفالی رخ دهد و شخص مفروض مرتکب جرمی شود، برای مثال با سوالاتی تلویحاً از او تاییدی بگیرند که مصداق جرم سیاسی بشود.

بنابراین، همان گونه که گفته شد، عطف به قانون تجارت الکترونیک ایران که شکل گیری هر نوع دلیل را در قالب داده پیام پذیرفته است، لذا بدین بیان، سند، شهادت، اقرار و سوگند به صورت الکترونیک نیز قابل تحقق هستند. با وجود این، امکان تحقق دلایل به شکل الکترونیک، بحثی جدای از موضوع ارائه آنها به دادگاه است. سند الکترونیک را می‌توان با استفاده از سخت افزارهای نگهدارنده اطلاعات به دادگاه ارائه کرد. ولی شهادت

حتماً باید با حضور فیزیکی گواه در دادگاه و ادای گواهی او باشد؛ لذا شهادت ضبط شده در چنین ابزاری تنها ارزشی همچون اماره می‌تواند داشته باشد. اقرار نیز چنانچه با استفاده از وسایل الکترونیک و به صورت آنلاین به دادگاه ارائه گردد، به نظر می‌رسد بتوان آن را اقرار در دادگاه به شمار آورد (محمدی و میری، ۱۳۸۸).

و اما در باب شرایط مقرر؛ نکات حائز اهمیت در شرایط عمومی مقرر نیست. شرایط عمومی ثلاثه که عبارت‌اند از عاقل بودن و بالغ بودن و رشید بودن که به راحتی قابل سنجش است و ضابطه معینی برای اثبات یا رد آنها وجود دارد. بلکه مشکل در عنصر «قصد» است. در توصیف قصد گفته شد که وفق ماده ۱۲۶۲ ق.م که مقرر داشته: «اقرار کننده باید ... قاصد ... باشد، بنابراین اقرار غیر قاصد مؤثر نیست.» هم چنان که قصد از شرایط اساسی صحت معاملات است (ماده ۱۹۰ ق.م)، پس قصد نیز از شرایط مقرر باید باشد. در موضوع این پژوهش، عنصر قصد، برابر با ضابطه ذهنی (Subjective) تعریف خود جرم نیز هست. پیش‌تر گفته شد که تعریف جرم سیاسی در حقوق ایران مبتنی بر احصا مصادیق انجام شده است و نه یک قاعده کلی. و اگر عنصر ذهنی را در تعریف این جرم وارد کنیم که منطوق ماده ۱ قانون جرم سیاسی همخوانی دارد که گفته «هر یک از جرائم مصرح در ماده (۲) این قانون چنانچه با انگیزه اصلاح امور کشور علیه مدیریت و نهادهای سیاسی یا سیاستهای داخلی یا خارجی کشور ارتکاب یابد»، و دقیقاً به عنصر «انگیزه» اشاره کرده است. لذا اگر در اقراری که در یک ادله الکترونیکی وجود دارد، عنصر قصد وجود نداشته باشد، یعنی عنصر ذهنی که وجه تمایز جرم سیاسی است و در ماده ۱ هم با واژه انگیزه به آن اشاره شده، غایب است، لذا می‌توان گفت نه تنها خود اقرار، بلکه کل اتهام را از شمول مصادیق جرم سیاسی خارج می‌کند. دیگر عنصر در شرایط مقرر یا اقرارکننده، اختیار است که صورتی دیگر از همان ویژگی فقدان شکنجه و تهدید و اغفال است. یعنی به طور کلی اکراهی در کار نباشد که ذیل همان صفت سلبی فقدان قهر به آن پرداخته شده و بسط بیشتر می‌تواند تکرار مکررات باشد. برای مثال، ممکن است یک فعال مطبوعاتی در گرماگرم یک مصاحبه مجازی، هیجانی شده و سخنی بگوید که اگرچه در گفتن آن اراده و اختیار داشته ولی قصد نداشته است. لذا این شرایط حتماً باید دخیل شود.

پس در مقام جمع بندی می‌توان گفت که ادله الکترونیکی از جهاتی می‌توانند شائبه اقراری داشته باشند و از جهاتی هم دلیل بودنشان و هم اقراری بودنشان محل مناقشه است. چرا که از منظر سندی در ابتدا باید اصالت آنها اثبات شود. در باب شروط ماهیتی اقرار، وجه

اخباری بودن اقرار بسیار در اینجا حائز اهمیت است چرا که از تعمیم بی جای اقرار به هر فعالیت مجازی، از جمله لایک و کامنت، جلوگیری می کند. در مورد شرط اقرار در محضر قاضی و دادگاه که از نظر عملیاتی تقریباً غیرممکن و بلا موضوع است. این که عنصر قهر در آنها وجود نداشته باشد با توجه به شرایط ایجاد و تحصیل ادله الکترونیکی بسیار مستبعد می نماید که اقرار مبتنی بر ادله الکترونیکی تحت شرایط شکنجه، تهدید یا اغفال حاصل شده باشد. از نظر شرایط اقرار کننده نیز مهمترین شرط یکی قصد است که می تواند عنصر ذهنی ارتکاب جرم سیاسی نیز باشد و دیگری اختیار که متناظر با همان عنصر فقدان قهر در شرایط عمومی اخذ اقرار است.

نتیجه گیری

پرسش اصلی این مقاله ناظر بر جایگاه اقرار در جرایم سیاسی و مطبوعاتی (با ماهیت سیاسی) با تمرکز بر ادله الکترونیکی و فضای مجازی بود. پژوهش بعد از بررسی جزئیات مسئله به این جمع بندی رسید که ادله الکترونیکی نیز مانند ادله و اسناد کاغذی و معمول می تواند وجه اقراری داشته باشند. اگر چه که به دلیل تفاوت ماهیت به ناچار تفاوتی در دلالت های حقوقی شان خواهند داشت. یکی از این تفاوتها امکانات گسترده در جعل ادله الکترونیکی است که به واسطه وجود فناوریهای مختلف و نرم افزارهای متعدد، بسیار راحت تر از اسناد کاغذی انجام می شود. پس اصالت سند در وهله نخست قرار دارد. بعد از آن، نکته مهم دیگر، وجه اخباری سند اقراری است که جز ماهیت و ذات اقرار است. پس نمی توان هر گونه فعالیت در فضای مجازی (از جمله لایک و کامنت و ارسال [فوروارد] پست) را اقرار محسوب کرد زیرا که اصولاً فاقد وجه اخباری است. دو شرط عمومی اقرار که عبارت از در محضر دادگاه بودن و در فقدان قهر بودن نیز حائز اهمیت است. که اولی ناممکن و دومی کمی دور از ذهن است. در شرط اقرار کننده نیز توجه به قصد و اختیار مقرر بیش از شروطی مانند عاقل و بالغ و رشیدن بودن برای اثبات اقراری بودن ادله الکترونیکی باید مورد توجه باشد، بویژه در جرایمی که در حوزه مطبوعاتی رخ می دهد که گاهی سهواً و بدون قصد سخنانی رد و بدل می شود. لذا در مقام نتیجه گیری می توان گفت که اگرچه با لحاظ کردن شرایط فوق الذکر یک ادله الکترونیکی می تواند سندی اقراری علیه متهم به جرم سیاسی باشد ولی به نظر می رسد که احراز این شرایط چنان سخت باشد که تحقق خارجی آن شاذ باشد. همچنین با توجه به این که در امور کیفری اصل بر تفسیر مضیق است

تا بیشترین رعایت حال متهم شود، شاید بتوان گفت با تفسیر مضیق بسیاری از ادله الکترونیکی اساساً از اعتبار اقراری ساقط می شوند.

منابع و مأخذ:

- امامی، سیدحسن (۱۳۷۸)، **حقوق مدنی**، ج ۶، کتابفروشی اسلامیة السان، مصطفی، منوچهری، محمد رضا. (۱۳۹۷). ارزیابی اصالت ادله الکترونیکی و ارزش اثباتی آنها. مطالعات حقوقی، ۲۱(۱)، ۲۹-۵۲. doi: 10.22099/jls.2018.28058.2765
- پیوندی، غلامرضا (۱۳۸۲)، **جرم سیاسی**، تهران، انتشارات پژوهشگاه توسلی چهرمی، منوچهر. (۱۳۸۳). وزن ادله قانونی، **فصلنامه دیدگاه حقوقی**، دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری، شماره ۳۲ و ۳۳. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۰)، **ترمیمولوژی حقوق**، گنج دانش، تهران
- دیانی، عبدالرسول (۱۳۹۴)، **ادله اثبات دعوا در امور کیفری و مدنی**، میزان
- راغب اصفهانی (۱۴۰۴ هـ.ق.)، **معجم مفردات الفاظ القرآن**، قم، دفتر نشر کتاب
- زندیان، نهال (۱۳۹۸)، بررسی جرم سیاسی در ایران با تأکید بر قانون مصوب ۱۳۹۵، **قانون یاز دوره سوم بهار ۱۳۹۸** شماره ۹ جلد دوم شامیاتی، هوشنگ (۱۳۸۰)، **حقوق کیفری**، ژوبین، تهران
- شهبازی نیا، مرتضی، عبدالهی، محبوبه. (۱۳۸۹). دلیل الکترونیک در نظام ادله اثبات دعوا. **مطالعات حقوق خصوصی**، ۴۰(۴)، ۱۹۳-۲۰۵.
- شهبیدی، مهدی. (۱۳۷۰). اقرار غیر مجرد، **مجله قضایی و حقوقی دادگستری تهران**، قوه قضائیه، شماره ۱.
- صدرزاده افشار، سیدمحسن (۱۳۷۶)، **ادله اثبات دعوی**، مرکز نشر دانشگاهی، تهران
- صفار، جواد (۱۳۷۹). قاعده تجزیه ناپذیری اقرار و دامنه اجرای آن، **مفید**، تهران، دانشگاه مفید، شماره ۲۲.
- صفایی، سیدحسین و قاسمزاده، سیدمرتضی (۱۳۸۷)، **حقوق مدنی**، اشخاص و محجورین، سمت، تهران
- طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵) **مجمع البحرین**، انتشارات مرتضوی، تهران
- کاتوزیان، امیرناصر (۱۳۷۷)، **مقدمه علم حقوق**، شرکت انتشار، تهران
- مجبی، جلیل. (۱۳۹۱). بایسته‌های تعریف جرم سیاسی در قاموس حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران. پژوهش‌نامه حقوق اسلامی، ۲۰(۱)، ۱۱-۵۵. doi: 10.30497/law.55-5.2012.1241
- مروارید، علی اصغر (۱۴۱۰ هـ.ق.)، **سلسله الینایح الفقهیه**، جلد سی و دوم، چاپ اول، مؤسسه فقه الشیعه، بیروت
- محمود، مصطفی (۱۳۷۵ هـ.ق.)، **شرح قانون الاجرات الجنائیه**، مطبعه جامعه القاهره
- محمّدی، سمام، میری، حمید. (۱۳۸۸). بررسی تطبیقی ارائه ادله الکترونیک در دادگاه؛ اشکال و اعتبار آن. **دوفصلنامه علمی حقوق تطبیقی**، ۱۷(۱)، ۱۷۸-۱۵۱.
- محقق حلی (بی تا)، **المختصر النافع فی فقه الامامیه**، دارالکتب العربی، مصر
- منتظری، حسینعلی (۱۳۶۷)، **مبانی فقهی حکومت اسلامی**، جلد چهارم، تهران، انتشارات کیهان
- موسوی خمینی، روح ا... (۱۴۰۳ هـ.ق.)، **تحریر الوسیله**، مکتبه الاعتماد